

بازخوانی زیربنا و ملاحظات نظری نمایه‌سازی استنادی

دکتر محمدحسین دیانی¹

چکیده

در این نوشته به زیربناهای نتیجه‌گیری از شمارش استنادها و قضاوت درباره کیفیت و یا نفوذ یک نوشته در نوشت‌های دیگر پرداخته شده است. توجه دوباره به این زیربناها از آن جهت با اهمیت است که پیامدهای بررسی استنادها در حال راه‌یافتن به معیارهای ارزش‌گذاری مقالات و به ویژه مجلات فارسی شده است و بحث عامل تأثیر که در پایگاه‌های گزارش‌های استنادی علوم ایران که توسط کتابخانه منطقه‌ای شیراز محاسبه می‌شود، می‌رود که برای مجلات فارسی نیز بکار برده شود. هدف از نگارش این چند صفحه بازخوانی زیربنایی است که کراً در نشریات متفاوت درباره گزارش‌های استنادی علوم مورد بحث بوده است و مناسبات که در تصمیم‌گیریهای مربوط به استنادها به آن نیز توجه شود.

کلیدواژه‌ها: گزارش‌های استنادی مجلات، نمایه استنادی علوم، نمایه استنادی علوم ایران

مقدمه

در دوره معاونت قبلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بحث‌های شدیدی درباره کیفیت مجله‌های فارسی در جریان بود. این بحث‌ها سه مسیر متفاوت را طی می‌کرد.

1. مجله‌های فارسی که با عنوان مجله‌های علمی پژوهشی و مجله‌های علمی کاربردی منتشر می‌شوند، باید از قالب کشکول (نشر مقاله‌ها در چند موضوع) خارج شوند و هر مجله فقط یک موضوع تخصصی را پوشش دهد. با این استدلال که شرایط برای اینکه در یک دانشکده بیش از یک هیئت تحریریه تشکیل شود و بیش از یک مجله منتشر شود فراهم نیست، برخی مجله‌ها همچنان راه خود را ادامه دادند و هیئت ممیزه دانشگاه مربوط، با وجود این که کمیسیون بررسی مجله‌ها رتبه علمی پژوهشی تعدادی از مجله‌ها را تمدید نکرد، آن مجله را مجله علمی پژوهشی تلقی می‌کرد. برخی مجله‌ها بر آن شدند که هر شماره از چهار شماره فصلنامه خود را به یک موضوع اختصاص دهند.

2. مسیر دوم که توسط علوم دنبال شد این بود که برای نشر مقاله در مجله‌هایی که مؤسسه اطلاعات علمی مقاله‌های آنها را در نمایه استنادی خود فهرست می‌کند، تا مبلغ پانصد هزار تومان پاداش پرداخت شود. این شیوه در برخی رشته‌ها مورد توجه قرار گرفت، به طوری که تعداد مقاله‌های ایرانیان را در آن نشریات بالا برد و بر این اساس ادعاهای بسیاری درباره افزایش سهم ایران در تولید جهانی علم مطرح شد. در این راستا، برخی از دانشگاه‌ها برای نشر مقاله در مجله‌های علمی پژوهشی فارسی نیز پاداش ریالی تعیین کردند. این شیوه ادامه داشت تا اینکه در بودجه سال 1385، بودجه اختصاص یافته به این امر حذف شد.

3. مسیر سوم که بویژه در پی دشواریهای ارتقاء به درجات دانشگاهی و درگیریهای رتبه‌بندی مجله‌های علمی پیموده شد، این بود که خود با تهیه نمایه استنادی برای مقاله‌های فارسی پردازیم و هر مجله را بر اساس عامل تأثیر مربوط (Impact Factor) رتبه‌بندی کنیم. این سیاستی بود که معاون

پژوهشی قبلی وزارت علوم به جد دنبال آن بود و بنا را بر این گذاشته بود که در صورت شکل‌گیری نمایه استنادی فارسی به آن اتکا کند. گرچه در سالهای گذشته به طور پراکنده طرحهایی بر روی کاغذ برای راه‌اندازی نمایه استنادی فارسی به تصویب رسیده بود، اما دشواریهای کار، فرصت به عمل درآوردن طرحها را فراهم نیاورده بود، تا اینکه کتابخانه منطقه‌ای علوم با اجرای طرحی خارج از برنامه روزانه خود، طرح استنادی مقاله‌های فارسی را به اجرا درآورد و عامل تأثیر بسیاری از مجله‌هایی را که مقاله‌های آنها به نمایه راه یافته بودند تعیین کرد و این موارد را برای استفاده عمومی در سایت خود قرار داد و از این طریق امکان قضاوت درباره اعتبار مقاله یا مجله بر اساس عامل تأثیر را فراهم آورد. معاون پژوهشی سابق بر آن بود که رتبه‌بندی مجله‌ها را بر اساس این طرح به اجرا درآورد. کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز طرح نمایه استنادی مقاله‌های کشورهای اسلامی را نیز در دست اجرا دارد. در نیمه دوم سال 1384 خبرهایی منتشر شد که مؤسسه‌ها، سازمانها و یا وزارتخانه‌های دیگر نیز درصددند تا نمایه استنادی فارسی را راه‌اندازی کنند. حداقل سه سازمان در این مورد خبر رسمی منتشر کرده‌اند. فضای پرشتابی که برای نمایه استنادی‌سازی به وجود آمده، بازخوانی زیربناها و ملاحظات نمایه استنادی را بیشتر از سال 1361 که برای اولین بار در ایران در مقاله "کتابسنجی" در مجله نشر دانش (شماره دوم، سال سوم) مطرح شد، موجه می‌نماید. در آن زمان، موضوعات دیگری مورد توجه جامعه علمی ایران بود. اکنون که یا به دلیل تأکید بر بحث جنبش نرم‌افزاری یا به دلیل درگیریهایی رتبه‌گذاری مجله‌ها و نمره‌دهی به مقاله‌ها در جامعه دانشگاهی ایران و یا به دلیل تمایل دوری‌گزینی از وابستگی به نمایه‌های استنادی جهانی و یا به دلایل دیگر ... موجی از نمایه استنادی‌سازی در حرکت است، بازخوانی زیربنا و ملاحظات نمایه استنادی بیش از زمانی که برای اولین بار در ایران مطرح شد، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و این نوشته بر همین اساس شکل گرفته است.

زیربناها و ملاحظات

کل مباحث مربوط به نمایه‌سازی استنادی، به استنادها و ارتباط بین استنادهای مقاله‌ها توجه دارد. بر این اساس، همه قضاوتها در این مورد نه تنها با کمیّت استنادها، بلکه در بطن خود با کیفیت استنادها (یا نفوذ یک نوشته در نوشته‌های دیگر) در ارتباط است. بر این اساس، در قضاوتهای مبتنی بر تحلیل استنادها ضروری است که زیربناهای فکری این گونه تحلیلها جدا مورد توجه باشد، تا زیربنای قضاوتی کیفی که بر اساس کمیتهای انجام می‌شود، بازشناخته شود. دانشمندانی که در این حوزه فعالیت دارند بر این باورند که چون مطالعه مستقیم رفتارها و فعالیتهای منجر به تولید، اشاعه و کسب اطلاعات علمی بسیار دشوار و در پاره‌ای موارد غیرعلمی است، به ناچار باید به روش غیرمستقیم توسل جست و آثار برجای مانده از این فعالیتها را مورد مطالعه قرار داد. دانشمندانی که در این حوزه فعالیت دارند نیز بر این باورند که هر استناد به نوشته‌ای می‌تواند امتیازی برای اهمیت نوشته مورد استناد، تلقی شود. زیرا عالمی، به احتمال در سطح علمی نویسنده، با استناد به نوشته، بر اهمیت نوشته و نویسنده آن در تولید نوشته خود اشاره می‌کند. ساده‌تر اینکه این امر نوعی اعتباربخشی به نوشته خود بر اساس نوشته شخص دیگری است. بدیهی است، شخص دیگر و یا نوشته دیگر خود باید اعتباری داشته باشد که به اعتبار مقاله استنادکننده بیفزاید. فرض شده است نوشته‌ای که بارها توسط دیگران مورد استناد قرار گرفته، معتبرتر از نوشته‌ای است که کمتر مورد استناد قرار گرفته است. بر این اساس، آنچه در نمایه استنادی باید مورد توجه باشد، کیفیت متون است. در این نوع بررسی، چرایی و اهمیت مطالب منقول در هر مدرک مورد تحلیل قرار می‌گیرد و مثلاً معلوم می‌شود که:

1. آیا مطالب نقل شده، درک مفاهیم و نظریه‌ها یا درک مطالب علمی و فنی را سهل‌تر ساخته است؟
2. آیا مطالب نقل شده، مورد تأیید است یا در رد آن مسائلی عرضه شده است؟
3. آیا مطالب نقل شده، به فهم موضوع کمک می‌کند یا تنها بیانگر وجود کار مشابه در جای دیگر است؟

هر گاه معلوم شود که درصد بالایی از مطالب نقل شده در استخوان‌بندی تحقیقات جدید مؤثر بوده است، سیر تکاملی هر رشته علمی، نوشته‌های تأثیرگذار و افراد، سازمانها یا کشورهایی که در آن نقش اساسی دارند، شناخته می‌شود. هر گاه معلوم شود که درصد بالایی از مطالب نقل شده در یک رشته علمی تکراری است و یا به شرح روشهای گوناگون پرداخته شده است، کیفیت پیشرفت آن رشته علمی مورد تردید قرار می‌گیرد و سرانجام هر گاه معلوم شود که درصد بالایی از مطالب نقل شده در یک رشته علمی به شرح کارهای مشابه اختصاص دارد، کاربرد مطالب منقول و یا کتابشناسی آنها اعتبار خود را به عنوان واحد اندازه‌گیری کیفیت تبادل افکار علمی، از دست می‌دهد.

با در نظر داشتن این زیربنای اساسی، در داوریهایی مبتنی بر نتایج به دست آمده از بررسی استنادها باید به نکات زیر توجه داشت:

گاهی بنا به دلایل غیر اصولی و تنها به منظور برآوردن نیازی زودگذر، به مقاله یا کتابی استناد می‌شود. مثلاً ممکن است برای خوش آمد دوستی یا به قصد مخالفت با کسی و یا به سبب شهرت نویسنده‌ای یا شهرت مجله‌ای، مطالبی از آن نقل شود، یا نوشته‌ای مورد استناد قرار گیرد. همچنین، احتمال دارد بین نویسندگان، قراردادی هر چند نانوشته مبنی بر نقل قول از یکدیگر وجود داشته باشد. استنادهایی از این نوع در حکم صداهای اضافی (اختلال) در شبکه‌های ارتباطی نظیر شبکه تلفن است. این نوع نقل قولها کاربرد استنادها را به عنوان معیار عینی قضاوت همکاران، از اعتبار می‌اندازد.

نکته قابل توجه دیگر، نمونه‌های مورد بررسی است. معمولاً منبعی که برای تجزیه و تحلیل استنادها مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل همه مجله‌های علمی و فنی نیست. همچنین ممکن است خط مشی مجله‌ای در محدوده‌ای که نمونه استنادها از آن گرفته شده تغییر یافته و مقاله‌هایی در آن چاپ شده باشد که از نظر محتوا با مقاله‌های اولیه متفاوت باشد. مثلاً محتمل است که هدف از نگارش مقاله‌های جدید چیزی جز مرور پیشرفتهای رشته‌ای علمی نباشد و در نتیجه به مقاله‌های مجله‌هایی استناد شده باشد که طبق خط مشی قبلی معمولاً مورد استناد قرار نمی‌گرفته است. بحث مربوط به مقاله‌ها و مجله‌های دیگر کشورها که به دلایل متفاوت- از جمله سیاسی مورد توجه نیستند نیز در این جا مطرح است.

هر گاه در تعیین مرتبه مجله‌ای در مقایسه با سایر مجله‌ها به این گونه اطلاعات استناد شود، نتیجه به دست آمده بیانگر واقعیت نخواهد بود، زیرا مجله‌ای که به یک مقاله آن به طور غیر عادی و به دفعات استناد شود، بناحق در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرد. برعکس، ممکن است مقاله‌های مجله‌ای که کیفیت بالایی دارد، تنها گاهی مورد استناد واقع شود و یا به سبب اینکه نشریه‌ای با کیفیت بالا مرتب منتشر نمی‌شود مقاله‌های آن در نمونه قرار نگیرد. در چنین مواردی، تکیه بر استنادها به عنوان معیار نفوذ، این شبهه را پدید می‌آورد که این مقاله‌ها نفوذ قابل توجهی نداشته‌اند، در حالی که ممکن است واقعیت چیزی غیر از این باشد. عوامل دیگری که در کمیّت و کیفیت استنادها مؤثر است، عبارت است از شهرت نویسندگان، مورد اختلاف بودن موضوع، در دسترس بودن مجله‌ها، امکانات مربوط به تهیه افست و فتوکپی، بودجه تحقیقات و تعداد مقاله‌های منتشر شده در یک نشریه. هر چه تعداد مقاله‌های چاپ شده در یک مجله معتبر بیشتر باشد، احتمال استناد به آن مجله

افزایش می‌یابد. افزون بر این موارد، توجه به این نکته ضروری است که مبادله اطلاعات علمی در همه رشته‌ها یکسان انجام نمی‌گیرد. مثلاً دانشمندانی که با فناوری صنعتی سر و کار دارند، به لحاظ ضرورت سرّی بودن تحقیقات خود، از تشکیل شبکه اطلاعاتی غیررسمی و رسمی باز می‌مانند. معمولاً نویسندگان مقاله‌ها در این رشته‌ها استنادی به کارهای قبلی نمی‌کنند و به مقاله‌ها یا کتابهایی که اساس تحقیق آنها بوده است، ارجاع نمی‌دهند. برعکس در رشته‌های علوم انسانی، ارجاعات و استنادها چنان آشفته و بی‌قاعده است که نمی‌توان هیچ‌گونه الگوی رشد مشخصی را شناسایی کرد. همه موارد بالا این نکته را آشکار می‌سازد که برای دستیابی به کیفیت محتوای مقاله‌ها و تعیین تأثیر آنها در رشد علم و فناوری، پیش‌فرضهای کاملاً مشخصی وجود دارد که فراهم نبودن این پیش‌فرضها و اتکای صرف به وجود پیوندهای متکی به استناد، نمی‌تواند ما را به قضاوتی درست از تحولات علمی - آنگونه که در متون منعکس می‌شوند - رهنمون سازد. آنچه از این پیش‌فرضها برمی‌آید این است که قضاوت‌های اولیه برای نشر مقاله در مجله‌ها، به نحو صحیح انجام گیرد. در این راستا، وجود هیئت تحریریه‌های قوی و وجود داوران عالم و با تجربه، اساسی‌ترین پیش‌نیاز است. هیئت تحریریه‌ها و داوران علمی هستند که باید دریابند مطالب نقل شده تکراری است، مشابه است یا آنچه نقل شده در استخوان‌بندی تحقیقات جدید مؤثر بوده است و مقاله جدید بر اساس آن زیربناها، به مقاله‌ای نومایه تبدیل شده است. نمایه استنادی یک ابزار است، کیفیت ماده‌ای که این ابزار برای تحلیل آن ساخته شده است، مشخص می‌کند که نتیجه یک واقعیت است یا تصویری ساختگی از یک واقعیت. برای اینکه رشد و تحولات علمی را به آثار منتشر شده متکی نماییم، به دانشمندانی صالح و به نظام نظارتی مقتدر و صالح - نظام داوری مقاله‌ها برای نشر - نیاز داریم. پرسش اصلی این است که آیا هیئت تحریریه‌های فارسی به سطحی رسیده‌اند که خط فاصل بین تحقیقات نومایه (نظریه‌ساز، مدل ریاضی‌ساز، تجربی و کاربردی)، نوشته‌های تفسیری (خبر ده، تاریخ‌نمایی، مروری، سابقه‌کاوی و ...)، شدت ارتباط موضوع و روش‌شناسی نوشته با رشته اصلی و درجه فنی و دانشگاه مدار نوشته را مشخص ساخته، آنگاه مقاله را به نشر بسپارند؟ مهم‌تر اینکه به یک شبکه اطلاع‌رسانی جامع از آنچه در کشور رسماً به نگارش درمی‌آید و در مجاری رسمی منتشر می‌شود، نیاز است. در نبود این شبکه، راههای کنترل بسته است. به چند مورد توجه کنید:

پایان‌نامه دکتری زبان فارسی عضوی از هیئت علمی دانشگاه فردوسی، سه بار دیگر با نامهای متفاوت و توسط سه فردی دیگر دفاع شده است. مقاله‌ای پس از نشر در مجله «مطالعات تربیتی» دانشگاه فردوسی به نام الف، بخشی از پایان‌نامه نوشته شده شخص دیگری در دانشگاه تبریز است. مقاله‌ای که دو بار به نام یک فرد منتشر شده، بار سوم به عنوان یک نوع آوری توسط جوانی در مجله‌ای دیگر به چاپ رسیده است.

بنا به موارد بالا، توان علمی، توان روش‌شناسی، توان اطلاع‌رسانی و پایبندی اخلاقی، زیربناها و پیش‌نیازهایی هستند که بن‌مایه‌های دسترسی به نمایه استنادی قابل اتکا را تشکیل می‌دهند. در اینکه در حد استاندارد جهانی فاقد این پیش‌نیازها هستیم تردیدی نیست، اما موازی با نمایه استنادی‌سازی، چه مقدار به تقویت و پایبندی به این زیربناها متعهد خواهیم بود؟

منابع

- محمدحسین دینانی. کتابسنجی. نشر دانش. سال سوم، شماره دوم، 1361. ص 47-40.